

Population and Social Security in the Spectrum of Quranic Verses and Narrations

Mohammad Sadiq Yousefi Moqaddam¹, Seyed Mohsen Al Nabi²

¹ Associate Professor, Research Institute of Quranic Culture and Education, Qom, Iran (*Corresponding author*).
y_moqaddam@yahoo.com

² Ph.D., University of Tehran, Tehran; Member of the political studies association of the field, Qom, Iran.
smallnabi@ut.ac.ir

Abstract

The present research aims to address the question of how the issue of population increase and social security is depicted and evaluated from the perspective of the Holy Quran and narrations. The answer to the question relies on the typology and assessment of the related data conducted by content analysis and developmental study approach. It is assumed that the Quranic verses and narrations consider the increase of the population as the source of divine assistance, the adornment and pleasantness of life, the authority and security of the Islamic society, and the cause of fear and trepidation of the enemies. On the other hand, the policy of reducing the population is considered as a threat to the survival of the generation. The first finding of the research addresses politicians and decision makers in society to convey social security is not feasible without concentration on the policy of population development; therefore, it requires deliberate and principled planning. The second finding is related to researchers in jurisprudential realms to analyze the issue of population not just from an individualistic approach but also from a collectivist perspective with respect to the requirements, principles, and values in Islamic society.

Keywords: Qur'an, Narrations, Population, Social Security.

Received: 2021-10-25 ; **Received in revised form:** 2021-12-08 ; **Accepted:** 2022-02-23 ; **Published online:** 2022-12-22

DOI: 10.22034/sm.2022.541522.1768

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



جمعیت و امنیت اجتماعی در گستره آیات و روایات

محمدصادق یوسفی مقدم^۱، سید محسن آل‌نبی^۲

^۱ دانشیار، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، قم، ایران (نویسنده مسئول). y_moqaddam@yahoo.com

^۲ دکتری، دانشگاه تهران، تهران؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. smallnabi@ut.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که از منظر قرآن کریم و روایات نسبت فزونی جمعیت و امنیت اجتماعی چگونه ترسیم و قابل ارزیابی است؟ پاسخ به این پرسش در گرو گونه‌شناسی و تحلیل شواهد و داده‌های مرتبط بوده که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد تحقیقات توسعه‌ای انجام شده است. مفروض این است که آیات و روایات فزونی جمعیت را سبب امداد الهی، زینت و دلپذیری زندگی، اقتدار و امنیت جامعه اسلامی و مایه ترس و وحشت دشمنان می‌داند و در مقابل سیاست کاهش نیروی انسانی را سبب نابودی حرث و نسل تلقی نموده است. یافته نخست پژوهش با مخاطب قرار دادن سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، بر آن است که امنیت اجتماعی بدون تمرکز بر سیاست توسعه جمعیت امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو مستلزم برنامه‌ریزی اصولی و سنجیده است. یافته دوم ناظر به پژوهشگران عرصه فقهی است که رویکرد به جمعیت در حوزه فقهی، نه از بینش فردگرایانه، بلکه در نگاهی جمع‌گرایانه، و با توجه به اقتضائات و متناسب با اصول و ارزش‌های مورد نظر جامعه اسلامی باید ارزیابی گردد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، روایات، جمعیت، امنیت اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2022.541522.1768

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

فرزندآوری که به عنوان مؤلفه مهم تأثیرگذار بر رشد جمعیت، نیروی کار، امنیت و مانع اصلی پیری نسل و مورد اهتمام آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) است؛ در عصر کنونی بنا به عوامل گوناگون، به مسئله‌ای چالشی و تهدیدکننده نظام خانواده، جامعه و امنیت کشورهای اسلامی تبدیل شده است. راهکار تبدیل این چالش امنیتی به فرصت، متوقف بر التزام عملی به باورهای مستفاد از قرآن و روایات، احساس مسئولیت ملی، برنامه‌ریزی و اقدامات راهبردی و کاربردی برای توسعه کمی و کیفی جمعیت، فرهنگ‌سازی به منظور تغییر سبک زندگی از کاهش فرزندآوری به فزونی فرزندآوری به عنوان ارزش دینی، ملی و خانوادگی است. پیرامون امنیت اجتماعی و کاهش یا افزایش جمعیت، تألیفات زیادی صورت گرفته است، اما هیچ کدام به صورت مستقل، به نقش توسعه کمی جمعیت و فرزندآوری در امنیت اجتماعی، از دیدگاه آیات و روایات پرداخته‌اند. این پژوهش از دیدگاه آیات و روایات، نگرشی فراگیر به تأثیر فرزندآوری و توسعه جمعیت بر امنیت اجتماعی دارد. افزایش نرخ جمعیت از نگاه قرآن و روایات در دو سطح خرد (کنش فردی) و سطح کلان (سیاستگذاری، حمایت و تسهیل شرایط) قابل ارزیابی است.

۲. چارچوب مفهومی

امنیت مفهومی متکثر و فراگیر در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی است، که از آمیختگی و وابستگی شدید به یکدیگر برخوردارند؛ به گونه‌ای که مرزبندی میان آنها چندان روشن نیست. باری بوزان^۱ امنیت اجتماعی را در ذیل امنیت ملی، در کنار چهار بُعد دیگر نظامی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی قرار داده است و آن را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زمان، فرهنگ، مذهب، هویت، عرف قومی و رسوم، به همراه شرایط قابل قبولی از تحول در آنها، تعریف می‌کند (سجادی، ۱۳۸۰). برخی دیگر امنیت اجتماعی را قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در صیانت از فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی می‌دانند (لکزایی و همکاران، ۱۳۹۵). تعریف برگزیده در این تحقیق این است که امنیت اجتماعی یعنی، استفاده از توانایی (ظرفیت) جامعه برای حفظ خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی (نویدنیا، ۱۳۸۲: ص ۷). از این‌رو امنیت اجتماعی مفهومی جامع و در درون خود سه ساحت

امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را دربردارد.^۱ با نگاهی فراگیر و با توجه به آنچه که مطرح شد، امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم و روایات، متغیرهای بسیاری را شامل می‌شود و با طیف وسیعی از مفاهیم از جمله اخوت و برادری، وحدت همدلی، و نیز فزونی جمعیت ارتباط می‌گیرد. امنیت و توسعه جمعیت از دو بُعد فردی و اجتماعی در قرآن کریم و روایات، قابل بررسی است. به عنوان مثال درخواست حضرت زکریا در آیه «وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا» (انبیاء: ۸۹) ناظر به بعد فردی امنیت است؛ چرا که از خداوند فرزندی را طلب می‌کند تا او را در امر دین و دنیا همراهی نماید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۹۷) و آیاتی از قبیل «وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ» (نوح: ۱۲) و «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء: ۶) بعد اجتماعی امنیت را می‌رساند. با این نگاه، مرجع اصلی امنیت اجتماعی، حاکمیت و نظام سیاسی است که با سیاستگذاری، پیش‌بینی، سنجش و بسیج امکانات، به مقوله جمعیت ورود کرده است و جامعه را از آسیب‌های کاهش جمعیت دور می‌کند. بر این اساس، عنصر جمعیت ظرفیت و استعدادی است، که با تکیه بر آن، احساس رضایت عمومی تأمین و عوامل خوف و اضطراب جامعه دفع می‌شود. پژوهش حاضر به منظور فهم نسبت فزونی جمعیت و امنیت اجتماعی از منظر قرآن و روایات سامان یافته و از روش تحلیل محتوا بهره برده است. از این‌رو ابتدا به منظور دوری از خلط مفهومی، به مدلول واژگان امنیت و واژگان هم‌نشین در گستره آیات و روایات برآمده و سپس به مدلول‌شناسی آیات و روایات مرتبط با موضوع بحث، ورود کرده است. برآیند روش مذکور، کشف و استخراج مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط است، که محقق را در اثبات فرضیه تحقیق کمک می‌کند.

۳. مفهوم امنیت اجتماعی

امنیت از ریشه «أ م ن» در تمام مشتقاتش به معنای ضد خوف، آرامش، رفع ترس، وحشت و اضطراب است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ص ۳۸۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳، ص ۲۱) و در بردارنده دو بُعد ایجابی و سلبی است. در بُعد ایجابی آن، وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر جامعه و از حیث سلبی، نبود ترس و تهدید را شامل می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۸: ص ۲۷). این واژه یکی از واژگان پر کاربرد در قرآن کریم است و

۱. بنگرید به: همتیان، علی اصغر، امنیت اجتماعی در آموزه‌های وحیانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲. در این کتاب امنیت اجتماعی

در بردارنده سه عنصر امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی تلقی شده است، ص ۴۷.

در مجموع ۷۸۹ بار در قرآن کریم به کار رفته است. از این تعداد، ۴۴ مورد به صورت فعل و اسم ثلاثی مجرد از مصدر آمن و بقیه جز یک مورد (أوتمن، که فعل ماضی مجهول از باب افتعال است)، از باب افعال مصدر ایمان آمده است. امانت از همین ریشه، به چیزی گفته می‌شود که امنیت به آن تعلق می‌گیرد؛ مثل ودیعه، و به کسی که اطمینان دارد و هرگونه ترسی از او زائل شده است، مثل «امن»، «مأمون» و «مأمون منه»، اطلاق می‌شود. علاوه بر آن، به شهری که از امنیت و آرامش برخوردار است و ترس، اضطراب و وحشت در آن نیست، «بلده آمنه» گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱). از نگاه قرآن کریم:

۱. امنیت نقطه مقابل خوف است؛ «و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً» (نور: ۵۶) «الذی أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» (قریش: ۴؛ نحل: ۱۱۲؛ بقره: ۲۳۹؛ نساء: ۸۳). آنگاه از مؤمنان خواسته می‌شود که همگی از در صلح و آشتی درآیند و در سایه اسلام، امنیت را تحقق بخشند؛ چرا همه تهدیدات امنیتی برخاسته از رفتارها و همگامی با شیطان است: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة و لا تتبعوا خطوات الشیطان إنه لکم عدو مبین» (بقره: ۲۰۸).

۲. آسایش، رفاه، پیشرفت جامعه و توزیع عادلانه ثروت بر امنیت، و امنیت بر ایمان مبتنی است و فرد و جامعه بریده از ایمان به امنیت نمی‌رسند. در این خصوص در قرآن آمده است: «و ضرب الله مثلا قریة كانت آمنه مطمئنة یأتیها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا یصنعون» (نحل: ۱۱۲؛ بقره: ۱۲۶؛ قصص: ۵۷). چنان‌که آیه «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد: ۲۸) بر این نکته تأکید دارد و امنیت در کلیه ابعاد آن را بر ایمان به خداوند مترتب کرده و دستاورد آن را سعادت و ایمنی از شقاوت (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ج ۱۱، ص ۳۵۴) و مایه افزایش ایمان دانسته است. آیه سوم سوره فتح نیز گواه خوبی بر این سخن است: «هو الذی أنزل السکینة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایماناً مع ایمانهم» (فتح: ۳). آنگاه همه انواع ظلم را نقطه مقابل (مراتب) ایمان و امنیت دانسته است: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئک لهم الأمن» (انعام: ۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ج ۷، ص ۲۰۱-۲۰۲).

۳. از منظر احادیث نیز موضوع عدالت که از والاترین ارزش‌های الهی و انسانی است؛ نسبت به امنیت در درجه دوم قرار دارد. چرا که تا امنیت و آرامش در جامعه‌ای برقرار نباشد، برقراری عدالت نیز غیرممکن است. از این رو امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «وطنی که امنیت و شادی در آن نیست خیری در آن نیست» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ص ۱۷۷). همچنین ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «رفاه زندگی در امنیت است» (تمیمی آمدی: ۱۳۶۶؛ ج ۴، ص ۱۰۰) و «هیچ نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد» (همان: ج ۶، ص ۴۳۵).

۴. ضرورت تحقیق

یکی از چالش‌های کنونی ایران اسلامی، مسئله جمعیت است؛ که بی‌تفاوتی نسبت به آن، آسیب‌های جدی را در پی دارد. چندی پیش یکی از معاونین وزارت بهداشت نسبت به بحران تحدید نسل در کشور هشدار داد و گفت، طی ده سال آینده به ازای هر ۱۰ خانوار، ۷ سالمند بالای ۶۰ سال در کشور خواهیم داشت. وی خاطر نشان کرد، بر اساس سرشماری سال ۸۵، میزان باروری کل به حدود ۱/۸ فرزند کاهش یافته و شاخص باروری به پایین‌ترین حد جانشینی (باروری کل پایین‌تر از ۲/۱ فرزند) رسیده است و اگر با روند فعلی کاهش جمعیت حرکت کنیم، در سال ۱۴۸۰ جمعیت کشور به ۶۲ میلیون نفر کاهش خواهد یافت (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۱۰۸). چنان‌که نرخ باروری در ایران در سال ۱۳۸۵، ۱/۸ فرزند به ازای هر زن بوده است و مطابق نتایج سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، این نرخ، ۱/۶ فرزند به ازای هر زن تنزل کرده است (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۷۹). بدیهی است که طبق این ادعا، در چنین شرایطی باید به فکر کیفیت جمعیت بود. با توجه به پیری و کاهش جمعیت، سالبه به انتفاء موضوع است؛ زیرا تا افزایش جمعیت حاصل نشود، کیفیت حاصل نخواهد شد. از این رو قرآن کریم به دو مؤلفه یاد شده (توسعه نیروی انسانی که مستلزم رشد جمعیت است و توسعه نیروی اقتصادی)، به عنوان دو اصل ثابت و خدشه‌ناپذیر تأکید کرده است. بر این اساس، آیات و روایات از یک سو بر ازدواج با زنان ولود (زنان فرزند آور)، تأکید کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۲۴) و ازدواج با زنان باکره که توانایی بیشتری برای فرزندآوری دارند نیز، مستحب شمرده شده است (شیخ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۷، ص ۴۰۰). از سوی دیگر در روایات زیادی بر کثرت جمعیت و رشد کیفی آن با عباراتی مانند ذریه طیبه و فرزندان صالح، پافشاری شده است. آیاتی مانند «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰) و «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» (آل عمران: ۳۸)، نمونه‌ای از آیات و روایاتی است، که در این خصوص وجود دارد.

۵. اقدامات نظام سلطه

۱. امنیت‌سازی مقوله جمعیت: اصطلاح کنترل مولید نخستین بار توسط مارگارت سانجر^۱ آمریکایی از مدافعان جدی کنترل جمعیت و به منظور دفاع از آزادی زنان در قرن بیستم ابداع شد. سپس اصطلاحات

1. Margaret Sanger

دیگری از قبیل تنظیم خانواده، پیش‌گیری و تنظیم باروری مطرح گردید (رک: طلعتی، ۱۳۸۳: ص ۳۱-۳۲). با توجه به اینکه نظام سلطه دستیابی به مطالبات خود را در کاهش جمعیت و تضعیف منابع انسانی کشورهای زیرسلطه می‌داند، برای تحقق جلوگیری از فرزندآوری در آن کشورها، رشد جمعیت را برای آنان مسئله‌ای امنیتی القاء می‌کند. چنان‌که برژینسکی^۱ در خصوص وضع فعلی تغییرات جمعیتی ایران در مصاحبه‌ای می‌گوید: لازم نیست به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کنید، چرا که تغییرات جمعیتی ایران علیه حکومت است و با کمی صبر، خودشان (کاهش جمعیت) مشکلات آمریکا را حل می‌کنند (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۱۰۴). این به معنی آن است که اگر جمعیت پیر شود، منابع انسانی به تحلیل می‌رود و با در پیش گرفتن روش محافظه‌کاری در برابر غرب، تسلیم می‌شود. همچنین ساموئل هانتینگتون^۲ در بخشی از مصاحبه خود، درباره تمدن اسلام و چین، و چالش آن‌ها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان، می‌گوید: تمدن اسلام، تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌ها است؛ چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد، که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند (گردنر، ۱۳۸۶: ص ۲۹۶). از این رو عقیم‌سازی و ناباروری، بخشی از سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته که بر مبنای کنترل جمعیت کشورهای جهان سوم و اسلامی است (گاردنر، ۱۳۸۶: ص ۲۹۶). همچنین نشست بیلدبرگ^۳ در سال ۲۰۱۱ با حضور مقامات عالی آمریکایی و اروپایی، موضوع افزایش جنگ و کشتار، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه را به منظور کاهش جمعیت، در دستور کار قرار داد (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۱۲۱-۱۲۲).

۲. ناسازگاری با امنیت بهداشتی: سازمان‌های بین‌المللی گاهی افزایش جمعیت را خلاف امنیت بهداشتی ترویج کرده‌اند و از این طریق، سیاست کاهش جمعیت را به پیش می‌برند. چنان‌که سازمان بهداشت جهانی به عنوان نهاد طراح و سیاستگذار در حوزه بهداشت و جمعیت، بدون عطف نظر به عواملی چون تغذیه و رعایت الزامات بهداشتی، بر آن است که افزایش بی‌رویه جمعیت منجر به مرگ نوزادان و مادران بسیاری

1. Brzezinski
2. Samuel Huntington
3. Bilderberg

می‌گردد. این سازمان همچنین ضمن توصیه به استفاده از داروها و انواع روش‌های پیشگیری، سقط جنین را آخرین راهکار در تنظیم جمعیت معرفی می‌کند. این در حالی است که سقط جنین، بنا به تأکید متخصصان، روی سلامت جسمی و امکان باروری‌های بعدی زن و نیز امنیت و آرامش روحی آنان تأثیر بسیار ناخوشایندی دارد. این تئوری‌های استراتژیست‌های غربی برای انهدام از درون جریان مقاومت با محوریت ایران و در حلقه‌ای وسیع‌تر با عقیم کردن خاورمیانه، به شدت از سوی سواره نظام آن‌ها در سازمان‌های بین‌المللی تدوین و به وسیله پیاده نظام آن‌ها در داخل کشورهای هدف از جمله ایران، عملیاتی می‌شود. سیاست‌های تحدید نسل از دهه هفتاد، از راه برنامه‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول، به کشورمان نفوذ کرد و هنوز هم طرح‌هایی به ظاهر با هدف افزایش باروری، اما در واقع برای کارشکنی در فرایند ازدیاد نسل، به دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌شود (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۱۰۴). بهره‌گیری نظام سلطه از کنترل مولید در راستای اهداف استعماری، اثبات‌کننده نگاه قرآن کریم است که کاهش جمعیت و جلوگیری از فرزندآوری را از روش‌های مستمر نظام سلطه و حاکمیت مستکبران دانسته است: «یذبح ابنائهم و یستحیی نساءهم» (قصص: ۴) و نتیجه حاکمیت منافقان مستکبر را تباهی کشاورزی و نژاد بشر بر شمرده است: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ» (بقره: ۲۰۵) و در نگاهی جامع، نابودی اولاد را به بهانه دفع ضرر موهوم فقر و عدم توانایی تربیت، عملی سفیهانه و ناآگاهانه می‌داند «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۴۰)؛ زیرا اجتناب از فرزندآوری سبب افتادن در دام ضرر قطعی و خطرناک پیری جامعه و آسیب‌های حتمی آن و تحقق خواسته‌های نظام سلطه است. به نظر برخی از نویسندگان، هر گاه افراد بین سنین ۲۰ تا ۶۵ سال، بیش از ۳۵ درصد کل جمعیت یک کشور را تشکیل دهند، چنین سرزمینی از بهترین و مطلوب‌ترین عوامل ژئوپولیتیکی به منظور حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برخوردار است (عزتی، ۱۳۷۱: ص ۸۹).

۶. توسعه جمعیت از منظر ادیان

در برابر آنچه گذشت، ادیان آسمانی مانند یهود، مسیحیت و زردشت از طرفداران جدی افزایش جمعیت است (طلعتی، ۱۳۸۳: ص ۴۳). چنان‌که در بیانیه کلیساهای جهان در سال ۱۹۵۹ آمده، که وظیفه و مسئولیت زوجین در برابر پروردگار آن است، که به فرزندآوری اقدام نمایند. در بیانیه ۱۹۶۱ نیز آمده است: فرزندآوری بسیار ارزشمند است و درجه بالایی از شجاعت و اطمینان به بزرگی پروردگار را طلب می‌کند (همان:

ص ۴۶-۴۷).^۱ همچنین قرآن کریم به نقل از برادران یوسف آورده که از نگاه آنان، فزونی تعداد جمعیت، سبب برتری آنان بوده است: «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (یوسف: ۸)؛ مفسرین در این آیه «عُصْبَةٌ» را به فزونی تعداد معنا کرده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، ص ۲۴).

۷. نگاه راهبردی شریعت اسلام به فزونی جمعیت

شریعت اسلام نیز ترغیب‌کننده به فزونی جمعیت است و تحدید نسل را مخالف فطرت انسانی، نوعی عمل جاهلی و بدگمانی به خداوند و نیز تقویت سلطه استمارگران بر کشورهای اسلامی معرفی نموده است (حسینی طهرانی، ۱۳۷۳: ص ۱۳۷-۱۳۸). قرآن کریم فرزند داشتن و توسعه جمعیت را راهبرد اساسی و مهم امنیت اجتماعی به شمار آورده و مال و فرزندان را دو رکن اصلی سرمایه‌های زندگی و قدرت انسان دانسته است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)؛ زیرا مال سبب آراستگی و جمال و فرزندان سبب قوت و دفع ناگواری از انسان‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۷۳۱). هرچند مال و فرزندان مورد علاقه انسان زوال پذیرند و انسان باید به حکم ذیل آیه «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»، به اعمال صالح که ارزش‌های ماندگار در نزد خدا دارند، پردازد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۳، ص ۳۱۸-۳۱۹)؛ اما بی‌تردید اموالی که در جهت بنای تمدن اسلامی هزینه می‌شود و فرزندانی که برای تحکیم و ارتقاء فرهنگ دینی تربیت می‌شوند، از بهترین مصادیق «الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ» هستند. از این‌رو از نگاه برخی، اصل تولید مثل و داشتن فرزند زیاد، قاعده و در اسلام ذاتاً مطلوب است. این مسئله از روایات متعدد قابل استفاده است؛ اما تحدید نسل و کنترل جمعیت، یک حالت عارضی است که بسته به شرایط و مصلحت، توسط حاکم اعمال می‌گردد (رک: نوری همدانی، ۱۳۸۲). نگاه ثابت و راهبردی قرآن کریم و روایات نسبت به افزایش جمعیت و امنیت اجتماعی در موارد ذیل قابل ارزیابی است.

۷-۱. تقویت منابع امنیتی

به نظر ابن خلدون جمعیت مهم‌ترین وسیله برقراری امنیت سیاسی و نظامی جامعه است (تقوی، ۱۳۸۹:

۱. به نقل از: الزین یعقوب الزبیر، موقف الشریعه الاسلامیه من تنظیم النسل: ص ۵۲-۵۳.

ص ۵۸). از این رو هرگونه برنامه‌ریزی جمعیتی با بسیاری از موضوعات، از جمله دفاع و امنیت ملی ارتباط مستقیم دارد و هرگونه سیاست‌گذاری مبنی بر کاهش یا افزایش جمعیت، آثار عمیق و گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف به همراه دارد که در درازمدت، نمایان می‌شود. منابع انسانی فعال و پر انگیزه (اعم از نظامی، انتظامی و اطلاعاتی)، سبب امنیت و اقتدار هر جامعه‌ای است، چنانکه پایین آمدن نرخ رشد جمعیت سبب کاهش نیروی جوان و افزایش سالمندان شده و قدرت دفاعی آنان را در برابر تهدید و تهاجم نظامی بیگانه آسیب‌پذیر کرده است؛ تا حدی که مطالبات دشمن را بر جامعه تحمیل می‌کند. از این رو آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)، امر به إعداد و تهیه نمودن هر نیرویی است (صدر، ۱۴۱۷ق: ص ۳۹-۴۰) و لفظ «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» به منزله علت است؛ به این معنا که وجوب توسعه قدرت و منابع انسانی برای این است که دشمن خدا و دشمن خود را از برنامه‌ریزی علیه امت اسلامی بترسانید. پس هرچه موجب تقویت و وسیله ترساندن دشمن شود، مصداق آیه یاد شده است (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۹۳؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق: ص ۳۳۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۱۱۶-۱۵۲). در روایات کلمه «قوه»، همان‌طور که به اسلحه مانند تیر، شمشیر و سپر (حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵) تفسیر شده، به خضاب سیاه (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۱۲۳) نیز تفسیر شده است، تا با جوان نمایاندن چهره سربازان بزرگسال، دشمن مرعوب گردیده و متزلزل شود و این نشان توجه آیه به تأمین نیروی دفاعی جوان (به صورت حقیقی) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۲۳). همچنین به گفته مفسرین، خداوند در دو قسمت از آیه «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء: ۶) بر امداد و نصرت الهی نسبت به بنی اسرائیل با ازدیاد اموال و فرزندان آنان اشاره نموده و از بازگشت دوباره بنی اسرائیل به دولت و شکوه خود خبر داده است، تا اینکه در نهایت بر دشمنان خود چیره شدند و از چنگ استعمار رهایی می‌یابند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۶۱۵؛ فخر رازی، بی‌تا: ج ۲۰، ص ۳۰۰، آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۱۳۳).

همچنین کلام وحی در آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره نوح، استغفار را سبب فراوانی نعمت‌های الهی یعنی اولاد و اموال دانسته است: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ زیرا اموال و فرزندان نخستین ابزار و نزدیک‌ترین منابعی هستند که انسان برای دستیابی به اهداف و نیازهای اجتماعی خود، از آن‌ها کمک می‌گیرد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ص ۳۰). این آیه به خوبی نیاز انسان به فرزندان و اموال را به عنوان دو منبع مهم امنیت برای انسان بیان کرده است. چنان‌که در جوامع گذشته از قبیل ایران و روم باستان، حفظ و گسترش امپراتوری‌ها با ایجاد ارتش‌های عظیم ممکن

بود؛ زیرا به تقویت بنیه نظامی آن‌ها منجر می‌شد (کتابی، ۱۳۵۸: ص ۷۵)؛ حتی در امپراتوری روم، شخصی که فرزندان بسیار داشت از پرداخت مالیات و خدمت سربازی بخشیده می‌شد و امتیازهای اجتماعی و سیاسی ویژه‌ای به او تعلق می‌گرفت (تقوی، ۱۳۸۹: ص ۱۲).

با گذشت زمان و با پیشرفت‌هایی که در عرصه جنگ‌های مدرن شکل گرفت، برخی به اشتباه گمان کردند که امروزه برای حفظ اقتدار دفاعی، نیازی به افزایش جمعیت نیست؛ اما این یک برداشت غلط است؛ چراکه علی‌رغم رشد صنعت و بی‌نیازی از نیروی انسانی در برخی حوزه‌ها، هنوز جمعیت، تأثیرگذارترین عامل در خلق قدرت است؛ زیرا امروز کشورهای مدعی جنگ مدرن برای افزایش جمعیت خود به تکاپو افتاده‌اند؛ به طور مثال رژیم اسرائیل با اینکه از مدرن‌ترین سلاح‌های نظامی روز برخوردار است؛ اما به شدت با کنترل جمعیت مخالف است. در این رژیم، هر خانواده یهودی حداقل باید چهار فرزند داشته باشد. قابل توجه است که در میان بیست و شش کشور منطقه از نظر نرخ باروری کل، رژیم اشغالگر قدس با نرخ ۲/۹۱ درصد، رتبه هفتم و ایران با نرخ ۱/۵۹ درصد رتبه بیست و پنجم را دارد (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۱۳۷). برخی بر این باورند که آمریکا به دنبال مقابله با الگو شدن ایران برای کشورهای اسلامی در بحث افزایش جمعیت است. زیرا آمریکا نگران این است که اگر جمعیت ایران به ۱۵۰ میلیون نفر برسد، منابعش را خودش استفاده می‌کند (روح‌افزا، ۱۳۹۵: ص ۱۰۴).

۷-۲. عدالت اجتماعی

از نگاه برخی از نویسندگان، نظریه جمعیت کم، پایه و اساس عدالت اجتماعی قرار گرفته است؛ زیرا در صورت کم بودن جمعیت، نزاع بر سر امکانات اجتماعی کم‌تر می‌شود و حاکمان تسلط بیشتری بر افراد و منافع و توزیع آن‌ها دارند؛ در نتیجه مشروعیت و مقبولیت سیاسی حاکمان را در پی دارد و پایه‌های حکومت آنها را قوی‌تر می‌کند (ترکاشوند و قره‌باغی، ۱۳۹۹: ص ۷۳-۹۴). این نگره اشتباه دیگری است، که در نسبت بین جمعیت و مشروعیت سیاسی ابراز شده است؛ زیرا آنچه عامل عدم مشروعیت سیاسی است، توزیع نابرابر ثروت و امکانات است نه کاهش جمعیت. علامه طباطبایی در ذیل آیه «وَ اذْكُرُوا اِذْ كُنْتُمْ قَلِيْلًا فَكْتَرْتُمْ وَ اَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ» می‌نگارد: انسان بر خلاف سایر انواع حیوانات، زندگی اجتماعی است، کمالات او نیز در همین نوع، میسر و متوقع می‌شود؛ پس سعادت عالی‌ای که انسان را از سایر انواع حیوانات متمایز می‌کند و حساب او را از آنها جدا می‌سازد، اقتضاء می‌کند که این موجود، دارای ادوات و قوای مختلف و ترکیبات وجودی خاصی باشد، که با داشتن آن نمی‌تواند مانند سایر حیوانات به‌طور انفرادی زندگی نماید و

همه حوائج ضروری خود را تأمین کند، بلکه ناگزیر است که در تحصیل خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و سایر حوائج با سایر افراد، تشریک مساعی نماید و همه با کمک فکری و عملی یکدیگر، حوائج خود را تأمین کنند. پر واضح است که برای چنین موجودی، کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است؛ زیرا هرچه بر عدد افراد اجتماعش افزوده شود، نیروی اجتماعیش بیشتر و فکر و اراده و عمل آن قوی تر می‌گردد و به دقایق بیشتر و باریک‌تری از حوائج پی می‌برد. در نتیجه، در حل مشکلات و تسخیر قوای طبیعت، راه‌حل‌های دقیق‌تری را پیدا می‌کند. روی این حساب، مسئله ازدیاد نسل و این‌که عدد افراد بشر به تدریج رو به فزونی می‌گذارد، خود یکی از نعمت‌های الهی و از پایه‌ها و ارکان تکامل بشر است. چراکه هیچ وقت یک ملت چند هزار نفری، نیروی جنگی، استقلال سیاسی و اقتصادی، قدرت علمی، ارادی و عملی ملت چندین میلیونی را ندارد (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸، ص ۱۸۹).

۷-۳. امنیت اقتصادی

با توجه به اینکه فرزندآوری -طبق سخن قرآن- از ابزار قدرت^۱، و توسعه جمعیت، مؤلفه اساسی امنیت است^۲؛ باید دانست که اندازه نیروی کار و کیفیت آن در توسعه اقتصادی، نقش بنیادین دارد. به عنوان نمونه، یکی از نگرش‌ها در پیوند برقرار کردن بین جمعیت و دسترسی به غذا توسط مالتوس مطرح شد. نظریه مالتوس، اولین نظریه روشمند در موضوع کنترل جمعیت با محوریت اقتصاد است. او در سال ۱۷۹۸م نظریه خود را در کتابی تحت عنوان «مقاله‌ای پیرامون مبانی جمعیت» ارائه نمود (روسو، ۱۳۵۸: ص ۶۹۳-۶۹۴؛ جمالی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۶۱-۱۹۲). همین ارتباط دوسویه اقتصاد و جمعیت، بعدها توسط سازمان ملل متحد نیز پیگیری شد، زیرا به ادعای این نهاد، رشد جمعیت، فقر و اتلاف منابع را در پی دارد. از این رو تناسب جمعیت را پیشنهاد می‌کند؛ یعنی ایجاد بهترین تعادل ممکن بین منابع و تعداد جمعیت یک سرزمین (رک: افراخته، ۱۳۷۴) این نوع نگاه به معنای نادیده گرفتن دیگر عوامل و ظرفیت‌های مؤثر در فقر است و تمرکز بر جمعیت توسط این نهاد بین‌المللی، محل تردید جدی است. به عنوان نمونه، استعداد و ظرفیت بالقوه و قابل شکوفائی منابع انسانی و منابع بالقوه اقتصادی و زیرزمینی بسیاری از کشورها، از مؤلفه‌های

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶)

۲. «وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ» (انفال: ۲۶)

غایب در سیاست‌های اعلامی آن سازمان است.

حال آنکه کاهش جمعیت به هر توجیهی، خلاف امنیت اقتصادی است و به نظر برخی افزایش جمعیت، زیادی مواد غذایی و زمینه سیطره بیشتر انسان بر زمین، دریا و هوا و بهره بیشتر از آنها را در پی دارد (صدر، ۱۳۵۰: ص ۳۶-۳۷). همچنین خلاف باور قرآنی به رزاقیت خداوند است (ذاریات: ۲۲-۲۳؛ هود: ۶؛ طلاق: ۲-۳؛ عنکبوت: ۶۰؛ سبأ: ۳۹؛ شورا: ۱۹). خداوند در سوره اسراء آیه ۳۱، کشتن فرزند را به دلیل تنگدستی، خطای بزرگ و مخالف باور به رزاقیت خداوند دانسته است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا». در حقیقت این آیه، افزون بر آنکه مؤمنان باید به رزاقیت خداوند باور داشته باشند؛ در مقام تشویق آنان به تکثیر نسل و فرزندآوری آمده است. آیه ۱۵۱ سوره انعام نیز، کشتن فرزندان را به جهت تنگدستی در ردیف شرک به خداوند قرار داده است: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ» و در روایتی از پیامبر اسلام، اهل و عیال را سبب فزونی رزق و روزی انسان معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۳۲۹). افزون بر آن، تجارب بشری نشان می‌دهد که جمعیت زیاد، در مدیریت کارآمد اقتصادی نه تنها تهدید نیست؛ بلکه فرصت است. چنان‌که امروز کشور چین با بیش از ۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ جمعیت، در حال دستیابی به اقتصاد اول جهان است و آمریکا با سیصد میلیون که به مراتب جمعیت کم‌تری از چین دارد، از رشد اقتصادی چین در هراس است. پس اگر جمعیت زیاد به درستی مدیریت و هدایت شود، نه تنها مانع توسعه اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند تولید و رفاه بیشتری نیز در پی داشته باشد. جالب آنکه قرآن کریم، زوال فقر و فضل الهی مبنی بر بی‌نیازی را، در گرو ازدواج دانسته است که به صورت طبیعی، فرزندان را در پی خواهد داشت: «وَ أَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲). خداوند در آیاتی دیگر، وعده فقر و تنگدستی و در کنار آن امر به فحشاء را، وعده و سیاستی شیطانی در برابر وعده و سیاست الهی معرفی نموده است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۸). از این رو کاهش جمعیت افزون بر آنکه مخالف باورهای قرآنی و روایی است، سبب آسیب رساندن به صنعت، تولید و اقتصاد می‌شود و مثل کاهش ازدواج، سیاستی شیطانی و زمینه‌ساز افزایش آمار فحشا و فساد در جامعه خواهد بود.

علامه جعفری با نگاه بر نظریه مالتوس و رد نسبت منفی جمعیت و غذا، به آیاتی از جمله «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶)، اشاره کرده و معتقد است که

خداوند رزق را تضمین می‌نماید و گرسنگی بشر، معلول معیشت ضنك است، نه فقدان واقعی مواد غذایی (جعفری، ۱۴۱۹ق: ص ۲۵۵). در نتیجه، اگر بازیگران سودجو و قدرت‌طلب، نباشند، هرگز افراد و خانواده‌ها در جوامع بشری دچار مصائب و مشکلات اقتصادی نمی‌شوند. بر اساس همین مبنا، ابن‌خلدون -جامعه‌شناس اسلامی- بر این باور است که نیروی انسانی، نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند. وی در ادامه، جمعیت را از ارکان تمدن می‌داند و کاهش جمعیت را یکی از عوامل تباهی و زوال عمران معرفی می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۵۸). نامبرده درباره نقش کثرت جمعیت در رونق اقتصادی می‌گوید: «آن‌گاه که عمران و منابع انسانی در شهر توسعه می‌یابد و بر جمعیت آن افزوده می‌شود، ابزار و وسایل آن نیز به سبب کارهای فراوان و بسیاری صنعتگران فزونی می‌یابد تا آنکه به مرحله نهایی و کمال خود می‌رسد» (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۵۰). بنابراین، مطرح کردن مشکلات اقتصادی و تنگدستی خانواده‌ها به عنوان موانع فرزنددار شدن، با راهبرد توسعه اقتصادی و حرکت تمدنی در تعارض است.

۷-۴. افزایش جمعیت نخبگانی و دانشمند

قرآن کریم در آیه ۹ زمر هیچ عاملی را قرین دانشمندان و نخبگان جامعه نمی‌داند: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ». پیامبر(ص) نیز، مداد آنان را از خون شهیدان که با ارزش‌ترین عنصر حیات جامعه هستند، برتر می‌داند: «إذا كان يوم القيامة وزن مداد العلماء بدماء الشهداء، فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء». بر همین اساس، امیرالمؤمنین(ع) برخورداری از علم را دلیل سلطنت و قدرت و برخوردار نبودن از آن را، زمینه‌ای مناسب برای مورد هجوم واقع شدن و زوال ارزش‌های هر جامعه دانسته است: «العلمُ سلطانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (محمدری شهری، ۱۳۸۲: ص ۶۰). حال اگر با سیاست کاهش جمعیت، نیروی نخبه علمی در هر کشوری کاهش یابد، زمینه وابستگی علمی به بیگانگان نیز فراهم می‌آید و پیامد آن دخالت بیگانگان در امور مهم و ایجاد مشکلات امنیتی و گاه هجوم آوردن به آن کشور است. امام باقر(ع) ذیل آیه ۷۰ سوره اسراء که خداوند رزق طیب را از امتیازات جامعه صاحب کرامت دانسته است، «وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ»، کلمه «الطَّيِّبَاتِ» را به علم تفسیر کرده و فرموده است: «الرِّزْقُ الطَّيِّبُ هُوَ الْعِلْمُ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۶۸۹). از این رو آسیب دیگر کاهش جمعیت، کاهش جمعیت نخبه و دانشمند یک کشور است.

بدیهی است جامعه‌ای که از علم برخوردار است، از بهترین رزق طیب برخوردار است؛ زیرا دانشمندان در هر جامعه‌ای، از عوامل مهم اقتدار آن جامعه به‌شمار می‌آیند و کثرت آنان، سبب اقتدار بیشتر جامعه

خواهد بود. هر گاه جمعیت یک کشور به سوی کاهش، کنترل و مدیریت شود، از میانگین جمعیت نخبگانی آن نیز کاسته می‌شود. به گفته برخی، «میزان جمعیت یک کشور یک عامل مهم و قابل ملاحظه است؛ زیرا توانایی ایجاد یک نیروی قوی و تأمین افراد مورد نیاز، به میزان جمعیت یک کشور بستگی دارد» (عزتی، ۱۳۷۱: ص ۵۵). در کشورهای اروپایی و کشوری مانند ژاپن، به این نتیجه رسیده‌اند که دانشمند سالمند برای اجرایی کردن ایده‌های خود و کمک به پیشرفت کشور و عرضه علم خود به جامعه، نیاز به نخبگان جوان دارد. از این رو با وجود این که نخبگان سالمند زیادی دارند، اقدام به جذب نخبگان جوان از سایر کشورها کرده‌اند.

۸. تأملی بر یک حکم فقهی

بر اساس آنچه گفته شد و این نکته که فزونی جمعیت، قاعده و مطلوب اولی است، مستندات قرآنی و ادله روایی نیز بر اهمیت توسعه جمعیت و نقش تعیین‌کننده آن بر امنیت اجتماعی تأکید دارد. از این رو به نظر می‌رسد تبدیل شدن فتوای برخی فقیهان مبنی بر اینکه اگر زن و شوهری خواسته باشند جایز است که فرزند دار نشوند (سیستانی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۴۶۰؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۱۷۳)؛ به سیاست کلان جامعه آسیب می‌رساند و نهادینه شدن آن در جامعه در درازمدت، آثار ناگواری را برجای می‌گذارد. به عبارت دیگر، افزایش جمعیت، نه از بینش فردگرایانه، بلکه در نگاهی جمع‌گرایانه، و با توجه به اقتضانات و متناسب با اصول و ارزش‌های مورد نظر جامعه اسلامی ارزیابی می‌گردد. بنابراین، افزون بر آنکه لازم است در اطلاق چنین دیدگاهی تجدیدنظر شود و مصالح واقعی، دائمی و تام است، در فتوا مورد نظر قرار گیرد، باید توجه کرد که فرزندآوری و رشد جمعیت، مصلحت غیر تام و مقطعی نیست، تا حکم اولیه تکثیر نسل و فرزندآوری استحباب داشته باشد (رک: خرازی، ۱۳۷۹: ص ۴۱-۶۹). از این رو حاکم جامعه اسلامی نیز، با توجه به دو متغیر مهم یاد شده (توسعه اقتصادی و توسعه جمعیت)، باید سیاستی اتخاذ کند، تا آسیب‌های کاهش نسل از جمله آسیب ضعف منابع انسانی که آسیبی امنیتی است را برطرف کند و جامعه را هرچند به محدودیت نسل خو کرده باشد، به پذیرش فرزندآوری و رشد جمعیت وا دارد. به طور مثال اگر از منظر مراکز بهداشتی، سن باروری خاص است، متغیرهایی مانند پیشگیری از ضعف منابع انسانی و تهدیدهای امنیتی نیز باید در تعیین سن باروری تأثیرگذار باشند. همچنین این متغیرها می‌تواند در حمایت‌های جدی از خانواده‌های دارای فرزندان زیاد، تعریف سن ازدواج، تعریف جنیستی شغل، مشوق‌های ازدواج خانم‌های مطلقه و... دخالت کند. به ویژه آنکه مسئولیت معاش خانواده بر عهده مرد است، مواردی مانند سرپرستی زنان خانواده باید به صورت استثناء از قانون تلقی شود، نه آنکه به صورت قاعده پذیرفته گردد.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر دو مفهوم امنیت اجتماعی و جمعیت، پیوند و همبستگی آن دو را از منظر قرآن کریم مورد کاوش قرار داد. از بُعد نخست روشن شد که اولاً امنیت مقوله‌ای مهم و تعیین‌کننده در توسعه و تعالی فرد و اجتماع است و فقدان آن خسارت‌های زیادی به جای می‌گذارد. ثانیاً امنیت اجتماعی مفهومی چند وجهی و چند لایه است و در قرآن کریم معنای وسیع و فراگیر آن مراد شده است؛ یعنی افزون بر موارد ایمنی از عذاب الهی در آخرت، در ابعاد دنیوی و سطح خرد و کلان اجتماع مطرح شده است. در بُعد دوم نیز تبیین شد که افزایش جمعیت و فرزندآوری، مهم‌ترین راهبرد امنیتی و زیرساخت دو متغیر و مؤلفه مهم نیروی اقتصادی و نیروی انسانی به‌شمار می‌رود. به بیان دیگر، امنیت جامع در گرو توسعه کمی و کیفی جمعیت است و مهم‌تر اینکه، جمعیت قابل تبدیل و تقلیل به هیچ عاملی از جمله رشد تکنولوژی، تسلیحات نظامی و... نیست. از این‌رو مشکلات اقتصادی را به عنوان مانع رشد جمعیت به شمار آوردن، با راهبرد توسعه اقتصادی در تعارض است و با مبانی اعتقادی مستفاد از قرآن کریم و روایات همسویی ندارد. با این توصیف، رویکرد به جمعیت در حوزه فقهی نیز، نه از بینش فردگرایانه، بلکه در نگاهی جمع‌گرایانه، و با توجه به اقتضائات و متناسب با اصول و ارزش‌های مورد نظر جامعه اسلامی باید ارزیابی گردد.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۵.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ج ۱۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر، ج ۱۳.
- ابن خلدون (۱۴۰۸ق). *تاریخ ابن خلدون*. تحقیق خلیل شحاده. بیروت: دارالفکر، ج ۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). *ظرفیت طبیعی امنیت. مطالعات راهبردی*، شماره ۵-۶.
- افراخته، حسن (۱۳۷۴). نقش ساختار جمعیتی ایران در توسعه و ارتباط آن با آموزش نیروی انسانی. *زبان و ادب فارسی*، شماره ۱۵۶-۱۵۷.
- ترکاشوند، احسان؛ قره‌باغی، حسن (۱۳۹۹). نقد و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های موافق و مخالف کنترل جمعیت. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۳۴.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۹). *جمعیت و تنظیم خانواده*. تهران: آیدین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۴، ۶.
- جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *رسائل فقهی*. تهران: انتشارات منشورات کرامت.
- جمالی، محمد و همکاران (۱۳۹۳). پیشینه تاریخی برنامه جهانی کنترل جمعیت. *تاریخ پزشکی*، دوره ۶، شماره ۲۰.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۳۷۳). *رساله نکاحیه*. تهران: حکمت.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین*. تصحیح رسول هاشمی. قم: اسماعیلیان، ج ۲.
- خرازی، سید محسن (۱۳۷۹). کنترل جمعیت و عقیم‌سازی. *فقه اهل بیت*، شماره ۲۱.
- روح‌افزا، فرشته (۱۳۹۵). *بحران جمعیت در ایران، ریشه‌ها، پیامدها و راه‌های مقابله*. تهران: خبرگزاری فارس.
- روسو، پیر (۱۳۵۸). *تاریخ علوم*. ترجمه حسن صفاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق). *المواهب فی تحریر احکام المکاسب*. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰). *اصول سیاست خارجی در قرآن*. علوم سیاسی، ۱۵۴: ص ۱۶۹-۱۸۳.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین*. قم: دفتر آیت‌الله سیستانی، ج ۳.
- صدر، سید موسی (۱۳۵۰). *اقتصاد در مکتب اسلام*. ترجمه علی حجتی کرمانی. تهران: بی‌نا.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- صدوق، محمد (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *تفسیر المیزان*. لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۱۱، ۷-۹، ۱۳، ۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو، ج ۷-۶.
- طلعتی، محمدهادی (۱۳۸۳). *رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین: آراء و مبانی فقهی- حقوقی*. قم: بوستان کتاب.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۱). *ژئوپولیتیک*. تهران: انتشارات سمت.
- فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، ج ۸.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ج ۱.
- کتابی، احمد (۱۳۵۸). *جمعیت شناسی*. کرج: مدرسه عالی ریاضیات و مدیریت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵.
- گاردنر، جان ویلیام (۱۳۸۶). *جنگ علیه خانواده*. ترجمه معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گردنر، ویلیام (۱۳۸۶). *جنگ علیه خانواده*. تلخیص و تدوین معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹ق). *مجمع المسائل*. قم: دارالقرآن الکریم، ج ۵.
- لک‌زایی، نجف؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کریمیان، نورالله (۱۳۹۵). *امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه*. سیاست متعالیه، ۴(۱۴).
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۲). *العلم والحکمة فی الكتاب والسنة*. قم: مؤسسه دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز الكتاب للترجمة والنشر، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات فی أجوبه السؤالات*. تهران: مؤسسه کیهان، ج ۱.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۲). *کنترل جمعیت*. فقه اهل بیت، شماره ۳۳.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البتی (ع) لإحیاء التراث، ج ۷.
- نویدینا، منیره (۱۳۸۲). *امنیت اجتماعی روایتی جامع*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.